

www.ketab.ir

رؤیایی
به شب نیمه تابستان
ویلیم شکسپیر
ترجمه فؤاد نظیری



www.ketab.ir

شکسپیر، ویلیام، ۱۵۶۴ - ۱۶۱۶ م.

Shakespeare, William

وژیایی به شب نیمه تابستان / ویلیام شکسپیر؛ ترجمه فواد نظیری.

تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۰.

۱۸۲ ص.

شابک: ۵-۷۸۷-۴۰۵-۶۰۰-۹۷۸

عنوان اصلی: A Midsummer Night's Dream, 1993

نمایشنامه انگلیسی - قرن ۱۶م.

نظیری، فواد، ۱۳۳۴ -، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۸۲۲

رده‌بندی دیویی: RP

شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۲۶۷۶۸



PEFC FSC

paper from well managed forest
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت‌شده تهیه شده است.



روایایی به شب نیمه تابستان

ویلیام شکسپیر

ترجمه قزاق نظیری

ویرایش: نازنین سلیمی پور

صفحه آرای: فریدون سامانی

طراحی جلد: حمید باهر

مجموعه باغ آلبالو (نمایشنامه)

چاپ اول: ۱۴۰۱ / ۷۷۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر نالت

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۷۸۷-۵

ISBN: 978-600-405-787-5

کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر نالت است.

قیمت: ۷۸۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۵۰، طبقه چهارم

فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند، بین ایرانشهر و ماهشهر، پ ۱۴۸

فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت، مجتمع ایران مال، طبقه G3، شماره ۱۸۳

فروشگاه شماره سه: پاسداران، میدان هروی، مجتمع هدیش مال

تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۸۸۳۰۲۴۳۶ - ۷

آدرس سایت: www.salesspublication.com

آدرس اینستاگرام: [salesspublication](https://www.instagram.com/salesspublication)

پیشگفتار مترجم

می‌خواهم نفسِ سنگینِ اطلسی‌ها را پرواز

گیرم.

در باغچه‌های تابستان

خیس و گرم

به نخستین ساعت عصر

نفسِ سنگینِ اطلسی‌ها را

پرواز گیرم...

احمد شاملو

دیگر قرارم با خودم بر این شده تا اگر هر زمان برگردان نمایشنامه‌ای از ویلیام شکسپیر را به پایان رساندم، بابِ پیشگفتارم را با بندی از شعرهای استاد همیشه‌ام احمد شاملو بگشایم — به تبرک و تناسب — که کدام کلامی فاخرتر و ارجمندتر از اندیشهٔ سترگِ نشسته در واژگانِ وزینِ فارسی، از آن شاعرِ بی‌مانندِ شعرِ امروز، به استقبالِ عظیم‌ترین شاعر

نمایشنامه‌نویس همه دوران‌های تاریخ جهان، شکسپیر کیسر؟ که در این بند شعر نیز انگار ذهن آماده می‌شود تا از باغچه‌های خیس و گرم عصر تابستان با نفس اطلسی‌ها پرواز کند، برود به «رؤیایی به شب نیمه تابستان» در دل جنگل دم‌کرده و وهم‌انگیز سرشار از طنز و عشق و هیجان.... باری!

رؤیا^۱ و رومئو و ژولیت به تقریب به فاصله سه سال از هم نوشته و رونمایی شده‌اند (از حدود ۱۵۹۷ تا ۱۶۰۰ م.) و هر یک پژواک دگرگونه‌ای از گوهر یک‌دانه عشق، که اگر رؤیا را به تعبیری «کمدی عشق» بدانیم، بی‌تردید رومئو و ژولیت شاخص‌ترین و جاودانه‌ترین «تراژدی عشق» در ادبیات نمایشی جهان است، و به رغم چندوچون تفاوت‌های این دو اثر، جایی که پای تکریم تغزلی عشق به میان می‌آید، مشترکات حس و حال و بیان عجیب نزدیک و یادآور یکدیگرند، که کافی است مرور کنیم گفتگوهای لایسنس و هرمیا را در پرده یکم از مجلس یکم از رؤیا با شور و شیدایی بر تافته از ککشان الماس تاب گفتارهای شبانه رومئو با ژولیت در مجلس دوم از پرده دوم سوگنامه رومئو و ژولیت. و این نیست مگر آن‌که پشت تمامی این قصه‌ها شاعر شوریده و اندیشمند درامنویسی نشسته که «نقش مقصود» را از این «کارگاه هستی» تنها و تنها در عشق می‌جوید و آواز می‌دهد. و چه خوشا به حال آن‌که به هر زبانی این آواها را بخواند و دریابد! و طرفه آن‌که بکوشد تا به زبان مادری خود بازگرداند، اگرچه به جان آگاه باشد که این خطر کردن در زبان، کم از آن نیست که ایستاده باشد برابر برقی

۱. رؤیا را به اختصار برای اشاره به رؤیایی به شب نیمه تابستان برگزیده‌ام. م.

بلا، مگر آن‌که ذهن و زیانش ورزآمده و رویینه شده باشد در جان شاعرانه واژگان و زبان، که کدام زبان ورزیده‌تر و سخت‌تر و ناب‌تر از زبان پارسی که بر گذشته و رسیده تا امروز، سربلند، به قرن‌های هجوم و تلاطم؟

اساس کار من برای این برگردان به ترتیب متمرکز بر دو مرجع اصلی بوده است و دو منبع فرعی، به این شرح:

1. *A Midsummer Night's Dream*: Edited by BARBARA A. MOWAT AND PAUL WERSTINE, Published by Simon & Schuster, 1993.
2. *William Shakespeare Complete Works*, Edited by: JONATHAN BATE AND ERIC RASMUSSEN Published by the Royal Shakespare Company (Random House). 2007.
3. *A Midsummer Night's Dream*, Edited by CEDRIC WATTS, Published by Wordsworth Editions, 2002.
4. *A Midsummer Night's Dream*, Edited by Praveen Bhatia, Published by UBSPD, New Delhi, 2006.

تقریباً تمامی تفسیرها و شرح معانی ویراستاران این متون را با هم مقایسه کرده‌ام و آنچه را بیش‌تر به متن اصلی راه می‌برده سرمشق قرار داده‌ام، حتی گاه در مرجعی شرح صحنه‌ای را کامل‌تر و تصویری‌تر دیده‌ام، آن را برگزیده‌ام، و به راستی بدون یاری گرفتن از چنین تفسیرهایی، راه بردن به معنای درست بسیاری از عبارات و مفاهیم نمایشنامه‌های شکسپیر نه فقط سخت و دشوار، بلکه ناشدنی است. طبع خواندن و گزارش، چندین بار اجرای نمایشنامه‌رؤیایی به شب نیمه تابستان را از مجموعه نمایشنامه‌های تلویزیونی شکسپیر، تولید بنگاه بی‌بی‌سی، به

کارگردانی ایلیجا موشینسکی^۱ دیده‌ام تا فضا و گفتارِ نمایش را بیش‌تر درک کنم.

ترجمه‌هایی را که از رویا به فارسی دیده‌ام این‌هاست:

- رویا در شب نیمه تابستان، ترجمه مسعود فرزاد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۲، تهران.
- رویای شب نیمه تابستان، ترجمه علاءالدین بازارگسادی [مجموعه آثار نمایشی شکسپیر]، سروش، ۱۳۸۹، تهران.

شکسپیر شاعری درامنویس است و مجموعه آثار نمایشی‌اش، به تمامی، به زبان شاعرانه نوشته شده، اما گاه در نمایش‌ها، پاره‌هایی کاملاً به شعر موزون است و مقفاه رویایی به شب نیمه تابستان نیز چنین است. ای بسا بیش از سایر آثار شاعر، سرشار از شعرهای موزون و آهنگین، گاه فخیم و فاخر و گاه ساده‌تر و عامیانه‌تر. آنچه مهم است این‌که در برگردان، چنین ماهیتی مغفول نماند، وگرنه نمی‌توان انتظار داشت که زبان ترجمه به متن اصلی نزدیک شده باشد. من در این گزارش کوشیده‌ام تا برآیندی از شیوه‌ها و ریشه‌های ادبیات کلاسیک و نثر و نظم پارسی حرکت کنم، در ترکیب و نزدیک شدن به بیان‌های زبان و شعر امروز، که این شیوه را در کارهای پیشین نیز داشته و چنین کرده‌ام. گاهی انگشت‌شمار کلماتی به متن افزوده‌ام که در قلاب [] نشانده‌ام تا آهنگ و مفهوم کلام خوش‌تر و بهتر رسانده شود. پانویست‌هایی را که لازم می‌دیدم از ویراستاران مراجعی که نام بردم در پایین متن آورده‌ام، و واژه‌نامه کوتاهی را نیز در معنای واژگان کهن که در

برگردان به کار برده‌ام، به آخر کتاب افزوده‌ام. از آوردن تفسیرها و آرای که مفسران و شکسپرشناسان در باب این نمایشنامه نیز بسیار نوشته‌اند خودداری کرده‌ام و ترجیح داده‌ام خواننده با متن اصلی رویرو باشد. فقط این که به تبعیت از مرجع اول و کارهای پیشین خود، تحلیل مفید و روشنگرانه پایانی آن مرجع را ترجمه کرده و با عنوان اصلی «رؤیایی به شب نیمه تابستان؛ یک منظر مدرن»، به قلم کاترین بلیسی، پس از نمایش آورده‌ام.

اما نکته مهمی که بر خود فرض می‌دانم همیشه و همه‌جا بر آن تأکید، و ادای دین کنم این که هیچ تحلیلی را نیرومندتر، ژرف‌نگرتر و نقادانه‌تر از مقالات یان کات بزرگ در کتاب شکسپیر معاصر ما به ترجمه آقای رضا سرور چاپ نشر بیدگل ندیده‌ام. در این جا نیز با تعظیم و سپاس به مترجم ارجمند و آثار گرانسنگشان، خوانندگان گرامی و مشتاق را برای درکی عمیق‌تر رؤیا، ارجاع می‌دهم به مطالعه مقاله «تیتانیا و کله خور» از آن کتاب.

سال‌ها پیش، گزیده‌ای از اشعار آدیسه‌نوس الیتیس — شاعر بزرگ یونان — ترجمه کرده بودم با عنوان پنجره‌هایی به فصل پنجم سال. و بعدها، در پاره پایانی پیشگفتارم بر ترجمه طوفان نوشته بودم: «... به گمانم آوایی از جایی به وسوسه باز مرا به خویش می‌خواند! آن آوا بانگ طوفان بود که در رسید و مرا از جای کند و با خود برد، تا مگر بود که آیا باز روزی بر جایی از قلمرو شگرف بی‌پایان فرودم آورد؟»

آری، زمانی گذشت و فرود آورد، به قلمرو خیال‌انگیز سرشار از طنز و تغزل و عشق و وهم، به رؤیا، و حاصل این گردش، این گزارش که پنجمین ترجمه من است از آثار شکسپیر کبیر، به منزله شاید پنجره‌ای به

فصل پنجم سال، که خود نمادین است در این بُرش از عمر که در آنم.
در حد بضاعت و بینشِ خود کوشیده‌ام، تا این گزارش ارمغان موری
باشد، با احترام، پیشکشِ عرصه ادبیاتِ نمایشیِ ما، و چراغ‌دارانِ هنرمند
تئاتر امروز، در تمامیِ رده‌ها و نسل‌ها. بُود که چراغشان همواره روشن!
و که آیا باز مرا روزی سفری دیگر در پیش است؟ تا قسمت! که
بزرگِ ما حافظِ کبیر فرمود:

بلبلِ عاشق! تو عمر خواه که آخر
باغ شود سبز و سرخ گُل به بر آید....

فؤاد نظیری

خرداد ۱۴۰۰